متعه

یک ضرورت اجتماعی



احمد بهشتی

بسم الله الرحمن الرحیم

متعه، یک ضرورت اجتماعی

نویسنده:

احمد بهشتی

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

متعه، یک ضرورت اجتماعی

مشخصات کتاب

مولف:احمد بهشتی

متعه، یک ضرورت اجتماعی

در سال ۱۳۵۸ کتابی به نام ازدواج موقت به قلم بانو ساچیکوموراتا منتشر شد که در بررسی ابعاد مسأله، جالب و قابل توجه بود. نگارنده این کتاب ژاپنی است، ولی به مدت پنج سال در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، در رشته فقه و مبانی اسلامی نزد اساتید آن دانشکده، تحصیل کرده و درباره متعه نیز به عنوان رساله فوق لیسانس، مطالعات و تحقیقات گسترده ای انجام داده است. برای کسی که در محیط ما زندگی می کند و درباره ازدواج موقت گرفتار القاآت و تلقینات غلطی هست و شبهاتی از این سو و آن سو به گوشش خورده و احیاناً سوء استفاده هایی نیز از این و آن شنیده یا مشاهده کرده است، همواره عقده ها و نگرانی هایی وجود دارد و شاید در اعماق دلش طرفدار این باشد که اصولاً وجود چنین قانونی چه لزوم و ضرورتی دارد و آیا وجود چنین قانونی، نوعی اهانت به زن نیست!. اما برای کسی که در محیط های غیر اسلامی زندگی کرده و دیدگاه های متفکران اجتماعی را شناخته و به نیازها و ضرورت های زندگی نوع بشر توجه کامل دارد، وجود قانون ازدواج موقت در اسلام، یکی از امتیازات و برجستگی هاست. به همین جهت، وی در آغازِ پیش گفتارِ کتابِ مزبور می نویسد:. موضوعات بسیاری است که شرقیان، آن را دلیل عقب ماندگی خود دانسته و به دور انداخته اند و یا لااقل توجهی به آن ندارند، ولی متفکران غربی، پس از تحقیقات و بررسی های زیاد در تاریخ گذشته و مشاهده واقعیت های اجتماعی کنونی، بدین نتیجه رسیده اند که همان امور، کلید حل مشکلات امروزی است. موضوع متعه نیز از این قبیل است که از لحاظ وضع ازدواج و طلاق در دنیای امروزی و مقتضیات اجتماعی عصر ما بسیار قابل توجه است. و درصفحه ۸۵ می نویسد: گستاخی گردش روزگار شهادت می دهد به این که: در مغرب زمین به اصطلاح امروزی، آخرین مد ازدواج، ازدواج قراردادی است؛ به این معنا که زن و مرد با هم توافق می کنند و برای مدت معینی ازدواج می نمایند در حالی که در سرزمین شیعه مذهب، متعه را به دست آویز تساوی زن و مرد، کم کم و به تدریج از بین می برند و نکته قابل توجه در این قضیه آن است که در نتیجه تساوی زن و مرد و آزادی کامل زن در مغرب زمین، ازدواج قراردادی به وجود آمده است. و نیز در صفحه ۹۲ می نویسد: درحقوق مدنی غیر از مذهب شیعه، ازدواج موقت به معنای اخص وجود ندارد، ولی در واقع، مردم به طور آشکار و یا به طور پنهانی ازدواج موقت می کنند و چون این از نظر قانون جایز نیست، پس مانند زناست و اگر بچه پیدا شد، بعضی زنان سقط جنین می کنند و یا اگر بچه متولد شد، بچه نامشروع خواهد بود. سرانجام در صفحه ۹۴ می نویسد: به نظرنگارنده، آنچه اکنون مغرب زمین، سخت به آن احتیاج دارد و به درد آن می خورد، نظام متعه است و اگر آنها بتوانند نظام متعه را به نحوی در حقوق مدنی پیاده کنند، بسیار مفید خواهد بود.... البته به فرض این که چنین قانونی تحقق پیدا کند، چند مسأله باقی می ماند؛ مانند این که: احیاناً مرد از این قانون سوء استفاده کند و زنان می گویند که این خلاف تساوی زن و مرد است. در این مسأله، نهایت چیزی که می توانیم بگوییم این است که: متعه عقد است و احتیاج به ایجاب و قبول دارد و در تصمیم اولی، زن کاملاً آزاد است و علاوه بر آن شرط وقوع عقد، تراضی طرفین است و در معامله، هر دو عاقد، حق تساوی دارند؛ پس زن به اختیار خود می تواند متعه را قبول کند یا نکند؛ بنابراین، نمی توانیم بگوییم که نظام متعه، مستقیماً با تساوی زن و مرد منافات دارد. مساله دوم این است که: هرگاه متعه در حقوق مدنی پیاده شود، ممکن است مردم، بیشتر به متعه علاقه پیدا کنند و کمتر نکاح دایم اختیار نمایند، زیرا متعه هم آسانتر است و هم راحت تر و معمولاً نفس انسان به آنچه آسان تر و راحت تر است،

زودتر انس پیدا می کند و بر اثر رواج کامل نظام متعه، ازدواج دایم محتملاً از بین می رود و اهدافی که نکاح دایم دارد، به کلی از دست می دهد و مفهوم ازدواج کاملاً عوض می شود. جواب این مسأله بسیار مشکل است. اشکالی که برای وی پیش آمده، از این نظر است که درباره ازدواج دایم و مسأله تشکیل خانواده و نیازی که زن و مرد به جذب و انجذاب و یگانه شدن دارند، مطالعه نکرده و ازدواج دایم را تا سطح ازدواج موقت، فقط برای رفع نیاز جنسی تنزل داده و تصور نموده که نیاز زن و مرد به یکدیگر، فقط در حد رابطه تن به تن و آمیزش جنسی است و بس، و توجه نکرده است که قرآن، زن و مرد را وسیله سکون و آرامش یکدیگر می داند و چنین نیست که با رفع عطش جنسی، از یکدیگر سیر و بیگانه شوند و به خصوص که با به وجود آمدن فرزندان، مسؤولیت های مشترك نیز آغاز می شود. از دقت در روایات، روشن می شود که طرح ازدواج موقت به عنوان یک ضرورت اجتماعی است و برای جلوگیری از روابط نامشروع و عدم سقوط در ورطه زناست. راوی از امام کاظم(ع) درباره متعه سؤال کرد، امام(ع) فرمود: هِیَ حَلال مُباح مُطْلَق لِمَنْ لَمْ یُغْنِهِ اللّهُ بِالتَزویجِ فَلْیَسْتَعْفِفْ بِالمُتْعَةِ، فَإن اسْتَغنی عَنْها بِالتزْویجِ فَهِیَ مُباح لَهُ اذا غابَ عَنْها؛ [۱] . متعه، بدون هیچ قید و شرطی حلال و مباح است برای کسی که خداوند او را به ازدواج دایم بی نیاز نکرده است. او باید به وسیله متعه، عفاف خود را حفظ کند و اگر به وسیله ازدواج دایم، از متعه بی نیاز شد، در صورتی متعه برای او مباح است که از همسر خود (به واسطه سفر و...) غایب باشد. و نیز حضرت به بعضی از موالی خود نوشت: لا تلحُّوا علَی المتعةِ، إنّما علَیکُم إقامةُالسُنَّةِ، فلا تشتَغِلُوا بِها عن فرشِکُمْ وحرائِرکُمْ؛ [۲] . اصرار بر متعه نکنید. بر شماست که اقامه سنت کنید. به وسیله متعه، خود را از همسران دایمی بازنداریـد... بنابراین، اسلام می خواهد نظام خانواده و جذب و انجذاب دایمیِ زن و شوهر را تحکیم بخشد و هرگونه عاملی که به این امر لطمه زند، از سر راه بردارد و به همین جهت است که ازدواج موقت، با دوشیزگان، مشروط به اذن ولی است و هنگامی که از امام صادق(ع) در این باره سؤال می شود، می فرماید: یُکْرَهُ لِلعَیْبِ عَلی أهْلِها؛ [۳] . پسندیده نیست، زیرا برای خانواده دختر عیب است. می دانیم که اصل حکم متعه در قرآن کریم، به صورت زیر بیان شده است: فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ اُجُورَهُنَّ فَریضَةً؛ [۴] . هر آنچه اززنان بهره برده اید، اجرتشان را که بر شما واجب است بدهید. در این آیه شریفه کلمه (استمتاع) ظهور در ازدواج موقت دارد و در زمان نزول این آیه نیز ازدواج موقت درمیان مردم رواج داشته و قرآن توصیه کرده است که به اجرتی که زن و مرد در ازدواج موقت توافق کرده اند، وفا بشود. در زمان پیامبر و مدت ها بعد از رحلت ایشان، ازدواج موقت در میان مسلمین رایج بود تا این که خلیفه دوم با تأکید و تصریح به این که در زمان پیامبر خدا حلال بود، تحریم کرد و گویا نظرش این بود که از ولایت و حاکمیت خود استفاده کرده، به عنوان ثانوی و به حکم ضرورت از آن نهی و منع کند و پرواضح است که عناوین ثانویه و ضرورت، نمی تواند دلیل بر حرمت دایمی باشد، ولی اهل تسنن، بدون توجه به جهت صدور حکم، این تحریم را دایمی تلقی کردند و هنوز که هنوز است، آثار ناگوار این طرز تلقی دامنگیرشان است. اکنون نمی خواهیم درباره این که آیا واقعاً نظرش تحریم به عنوان ثانوی بوده یا نه و آیا حاکم، چنین ولایتی دارد یا ندارد، بحثی کنیم. آنچه مسلم است، این است که اگر هم نظر خلیفه، تحریم ازدواج موقت از لحاظ ضرورت و به عنوان ثانوی بوده، امامان معصوم ماه ضرورت را در جهت حلیت و مشروعیت آن می دیده و تصریح فرموده اند که: ما کانَتِ الْمُتْعَةُ إلاّ رَحْمَةً رَحِمَ اللّهُ بِها أمَّةَ مُحَمَّدٍ لَولا نَهْیُهُ عَنْها ما احْتاجَ إلی الزِّنی إلاّ شفاً؛ [۵] . متعه، نسیم رحمت است که خداوند بر امت محمد وزیده و اگر وی از آن نهی نمی کرد، هیچ کس محتاج زنا نبود مگر افراد بدبخت. البته این احتیاج، طبیعی نیست که مجوز زنا باشد، بلکه طبق بعضی از روایات، زاییده شقاوت و انحراف است و شبیه احتیاجی است که شخص معتاد، به الکل یا هروئین دارد. می بینیم که لحن ادله تشریع ازدواج موقت، نمایانگر گشایش راهی در تنگناهای زندگی است و چنین به نظر می رسد که ازدواج موقت، برزخی است میان تجرد و تأهل. در تنگنای تجرد و عدم امکان تأهل، چه باید کرد! قبلاً هم گفته ام: جوانی که می خواهد دو سال دوره سربازی را بگذراند، چه کند جوانی که می خواهد در دیار غربت تحصیل علم و تخصص کند، چه چاره ای بجوید! در مسافرت های دور و دراز، که در دنیای امروز، کم هم نیست،

چه علاجی برای غرایز جنسی زنان و مردان، باید اندیشید! در این حالات، نه تجرد قابل تحمل است و نه تأهل. پس باید حد وسط و برزخ میان آن دو انتخاب شود و زن و مرد بـا تعیین مـدت و مهر با یکـدیگر ازدواج کننـد و پس از پایان مـدت، اگر زن به مرحله یائسگی نرسیده است عده نگاه دارد. در صورتی که باردار است، باید تا وضع حمل، عده نگاه دارد و کودکی که از آنها به دنیا می آیـد، تمـام احکـام و حقوق خود را بر والـدین دارد. اگر باردار نیست، در صورتی که عادت ماهانه نمی بینـد، تا چهل روز در عـده شوهر است و در صورتی که عادت ماهانه می بینـد، بایـد صبر کند تا دوبار حیض شود. [۶] . البته، با توجه به این که فلسـفه ازدواج موقت، رفع ضـرورت و نیـاز است، بهتر این است که زن و مرد، از انعقـاد نطفه جلوگیری کننـد و خود را به مسؤولیت هـای طولانـی بعدی گرفتار نسازند. با این حال، این نیز به خواست خود آنها بستگی دارد و جنبه الزام و اجبار ندارد. در یکی از روایات از جابربن عبدالله انصاری و سلمهٔ بن اکوع، نقل شده است که: در یکی از لشکرهای اسلام، (در حال جنگ یا آماده باش) بودیم. پیامبر خدا نزد ما آمد و فرمود: إِنَّهُ قَدْ اُذِنَ لَکُمْ أنْ تَتَمَتَّعُوا فَاسْتَمْتِعُوا؛ [۷] . به شـما اجازه داده شده است که متعه کنید. بنابراین، می توانید متعه بگیریـد. این روایت نیز نمایـانگر یکی از تنگناهـای زنـدگی است ومعلوم می شود که سپاهیان اسـلام کاملاً درمضـیقه بوده انـد، به خصوص که معمولاً سپاهیان، جوانان مجرد یا تازه داماد هستند و تجرد، مشکل بزرگ زندگی آنهاست و آن توصیه ای که اسلام در مـورد روزه گرفتن جوانـان مجرد و شکسـتن مـوج شـهوت دارد، در میـدان نـبرد - که بایـد نیروهـا بیشتر باشـد - عملی نیست و بنـابراین، در صـورت امکـان متعه، تنهـا راه خروج از دشـواری همین است. ساچیکوموراتـا نیز به این حقیقت تـوجه کرده است و در کتاب خود می نویسـد: این گونه افراد نومسـلمان، وقتی در میدان جنگ بودند، چه وضع و حالتی داشـتند طبیعت بشـر بر آنها حکم می کرد و حـالت مـادی نیز بر آنها حاکم بود؛ پس واجب بود برای چنان اوضاع و شـرایطی ازدواج موقت تشـریع شود تا اشکالات آنهـا رفع گردد و تکـالیف زوجیت را ازدوش آنهـا بردارد. بـدین جهت، نکـاح متعه تشـریع شـد... و آن به دلیل این بود که لشکر، احتیـاج به جوانـانی داشت که دارای زن و فرزنـد نبودنـد و نمی توانسـتند ازدواج دایم کننـد و از جهت دیگر معقـول نبود در چنـان حالت به آنها گفته شود که برای جلوگیری از شـهوت، روزه بگیرنـد، زیرا به هیـچ وجه در میـدان جنگ، ضـعف لشـکریان صـلاح نبود؛ بنابراین، علت تشریع متعه، عبارت از این وضع خاص و حالت فوق العاده بود. [۸] .

علت یا حکمت

در این جـا لازم است به یک مطلب اساسـی و اصولی توجه شود که ممکن است در بحث های دیگری از قبیل بحث طلاق و تعـدد زوجـات نیز مفیـد واقع شـود و آن ایـن کـه: از قرایـن و شواهـد روایی و اجتمـاعی معلـوم می شـود که تشریع حکم متعه، از سـوی قانونگذار اسـلام، با توجه به رفع مشکلات افراد مجرد و جلوگیری از خطرات انحراف بوده و در خود قرآن نیز بعد از آن که تجویز کرده است که در صورت عـدم تمکن نسبت به ازدواج دایم، با زنان آزاد، یا زنان غیر آزاد زناشویی کنند و همچنین تجویز ازدواج مـوقت، می فرمایـد: یُرِیـدُ اللّهُ أنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ وَخُلِقَ الإنْسانُ ضَعیفاً؛ [۹] . خداونـد می خواهـد که به شـما تخفیف دهـد و انسـان، ضعیف آفریـده شـده است. با دقت در مجموع آیات ۲۴ تا ۲۸ سوره نسـاء اسـتنباط می شود که: از نظر اسـلام، اساس این است که مردان به طور دایم، با زنان آزاد، ازدواج کنند؛ اما اگر ضرورتی پیش آید، با یک درجه تخفیف، انسان مجاز می شود که با زن غیر آزاد، ازدواج کنـد یـا به ازدواج موقت روی آورد.حـال سؤالی که در این جـا قابل طرح است، این است که آیا این ضـرورت، علت جواز ازدواج موقت است یا حکمت آن. اگر علت باشـد، حکم بر همان محور دور می زند و در غیر مقام ضـرورت، ازدواج موقت، جـایز نیست و اگر حکمت باشـد، حکم بر آن محور نمی چرخـد و بنابراین، برای کسـی که اضـطرار هم نـدارد، ازدواج موقت جایز است. نظیر همین مطلب را در طلاق و تعـدد زوجات نیز می توان مطرح نمود که به خواست خـدا در جای خود بحث خواهیم کرد. در روایـات، دلیـل محکمی که ما را قانع کنـد که ضـرورت، علت حکم است، وجود نـدارد و می بینیم که سیره مسلمین نیز بر این

نبوده و احیاناً به منظور ایجاد محرمیت، از متعه استفاده شده است و در روایات نیز آمده است که: اصرار بر متعه نکنید و به وسیله متعه، خود را از همسران دایم باز ندارید و بالاخره، علی رغم خودداری اهل تسنن، اقامه سنت نیزمسأله ای است. در قانونگذاری معمولاً چنین وضعی پیش می آید؛ یعنی امری حکمت به وجود آمدن قانونی می شود که تعمیم پیدا می کند و در موارد دیگر نیز از آن قانون استفاده می شود. مانند این که قوه مقننه قانونی بگذراند که دولت برای کمک به خانواده های محروم، گوشت را به قیمت ارزان تری به مردم بدهد و مازاد قیمت را از بیت المال بپردازد و به اصطلاح، یارانه بدهد. راست است که این کار، به منظور تسهیل و تخفیفی است بر خانواده های محروم و کم درآمد، منتها خانواده های متوسط و پردرآمد نیز از آن استفاده می کنند؛ اما جا دارد که آنها از این قانون، سوء استفاده نکنند و بگذارند فقط همان طبقه بهره مند شوند و آنهایی که متمکن هستند خود را کَلّ بر دولت و بیت المال نسازند. در مسأله مورد بحث ما نیز یک ضرورت، حکمت این شده است که قانون ازدواج موقت از سوی خداوند اعلام شود. از این قانون، همه می توانند استفاده کنند، اما بهتر است که هر کسی خود را مورد سؤال قرار دهد که آیا برای او هم ضرورتی وجود دارد که به سراغ ازدواج موقت برود یا نه! خلاصه، اگر هدف از ازدواج موقت، تنوع طلبی و چشیدن زنان گوناگون است، کار حرامی نیست، بلکه حلال است، اما حلال مذموم و منفورا! و اگر هدف، رفع ضرورت و فرونشاندن عطش و گریز از زنا و گناه است، حلال است و حلال ممدوح! از آن جا که در صدر اسلام با عنوان شدن مساله تحریم، وضعی پیش آمد که ممکن بود یک حکم خدا به طور کلی به دست فراموشی سپرده شود، یک انگیزه دیگر نیز بر انگیزه اصلی افزوده شد و آن این که: افراد متعه کنند، برای این که ترک متعه سنت نشود و قبحی که بعضی برای آن در یک جو سازی افراطی به وجود آورده بودند، از بین برود. امام صادق(ع) فرمود: من نمی پسندم که مردی بمیرد ویکی ازبرنامه های پیامبرخدا را به جای نیاورد. پرسیدند: پیامبر خدا متعه کرد فرمود: آری. [۱۰] . وانگهی، وقتی اسلام، تمام کوشش خود را از لحاظ برنامه ریزی زندگی خانوادگی و مسائل تربیتی و اخلاقی متوجه تحکیم خانواده و دوام و بقای آن کرده، چگونه ممکن است به گونه ای با مسأله ازدواج موقت برخورد کند که نتیجه اش سست شدن پایه های خانواده و ایجاد دافعه میان زوجین باشد! اسلام برای دلبستگی های زن و شوهر به یکدیگر زمینه ساز است و برای پیدایش گریز و بی میلی در میان آنها مانع است و به همین جهت، رهبر بزرگوار اسلام فرمود: هر گاه یکی از شما متوجه زنی زیبا بشود، باید به سراغ همسر خود برود و نیاز و هیجان خود را دفع کند که در واقع، هر دو یکی هستند. یکی پرسید: اگر همسر ندارد، چه کند فرمود: چشم به آسمان بیندازد و از فضل خداوند، سؤال کند. [۱۱] . به یقین، افسار گسیختگی درمتعه، سوء استفاده از قانون متعه و زمینه ساز پاره شدن رشته علاقه و دلبستگی زن و شوهر و به سردی گراییدن روابط زوجین است و هرگز اسلام چنین چیزی نمی پسندد.

پاورقی

[۱] روضة المتقین،ج۸، ص۴۷۸.

[۲] روضة المتقین،ج۸، ص۴۷۸.

[۳] همان، ص ۴۸۰.

[۴] نساء (۴) آیه ۲۴.

[۵] روضة المتّقین، ج۸، ص۴۵۵.

[۶] بعضی گفته اند: احوط ۴۵ روز است و همچنین دوبار حیض یا دوبار پاکی هر کدام که بیشتر است عده نگاه دارد.

[۷] روضة المتّقین، ج۸، ص۴۵۵.

[۸] ازدواج موقت، ص۷۹.

[۹] نساء (۴) آیه ۲۸.]

[۱۰] همان، ص۵۰۷.

[۱۱] همان، ص۳۴۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW